

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

عنوان:

تعریب، نقد و بررسی کتاب نسخ در قرآن
(بخش اول)

استاد راهنما

دکتر عزت الله مولایی نیا

نگارنده:

جابر عبیات

پاییز ۱۳۹۲

صورت جلسه ی دفاع

تقدیم به:

همسر ام رائد و فرزندانم که در مدت تحصیل و رفت و آمد هفتگی
بین قم و خرمشهر متحمل مشقات فراوانی شدند و مرا با دعای خویش
بدرقه می کردند.

تشکر و قدردانی :

خدا را شاکرم که منت نهاد تا دوباره به گلستان علم و دانش قدم نهم و بخشی از عمر را در محضر استاید بزرگوار دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه قم سپری کنم. بدینوسیله از همه این عزیزان سپاسگزارم .

تشکر می کنم از استاد دکتر مولایی نیا که مرا با این کتاب آشنا کردند و به تعریف آن تشویق کردند تا بتوانم خدمتی به علوم قرآنی بکنم. تشکر می کنم از اساتید محترم؛ دکتر شیروی دانشمند گرامی و مدیر گروه عزیز که همیشه مرا راهنمایی فرمودند.

و استاد دکتر مقدسی نیا استاد برجسته ترجمه که این حقیر را در امر ترجمه راهنمایی کردند.

و تشکر می کنم از همکارانم در عقیدتی سیاسی پایگاه دریایی خرمشهر و عقیدتی سیاسی قرارگاه جنوب غرب ارتش که مرا یاری کردند. تشکر صمیمانه از ستوان سوم وظیفه مجید عساکره دورقی که در آماده کردن این پایان نامه کمک فراوانی کردند.

چکیده:

موضوع نسخ در قرآن از مسائل بسیار مهم و حیاتی است. در استخراج احکام دارای نقش بسیار مهمی است و در شناخت تاریخ تشریح و قانونگذاری بسیار حائز اهمیت است. پدیده نسخ در کنار سایر موضوعات قرآنی چون محکم و متشابه و اسباب النزول و... از دیر باز مورد توجه علمای قرآنی بوده و هست. اما اهتمام به مسئله نسخ آنقدر مهم است که تعدادی از علما آن را بصورت تخصصی پیگیری می کنند.

موضوع نسخ از دیدگاه اهل بیت نیز مورد توجه بوده و احادیث متعددی در این زمینه بیان شده و به گفته تمام دانشمندان علوم قرآنی از شیعه و سنی اولین بار در مصحف حضرت امیر المومنین (ع) موضوع ناسخ و منسوخ بطور واضح بیان شده است.

مکاتب متعددی در مورد موضوع نسخ بوجود آمده، بعضی معتقدند نسخ در قرآن از اساس منتفی است و بعضی آن را با شرایطی پذیرفته اند. آنان که پذیرفته اند نیز مکاتبی دارند که هر کدام دارای نظرات خودشان هستند. مکاتبی که در این موضوع بوجود آمده اند به مدرسه معروف شدند: مدرسه بیان، مدرسه خطاب و مدرسه رفع.

این مسئله لغت شناسان را نیز به خود مشغول نموده است؛ علمای اصول و کلام نیز به این قضیه بطور جدی پرداخته اند. پدیده نسخ از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. ریشه لغوی و اصطلاحی نسخ بدقت بررسی شده است. تالیفات زیادی مربوط به این موضوع بیان شده است. آراء دانشمندان مکاتب مختلف نیز به تفصیل عنوان شده و نظرات یهود در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و در پایان وقوع نسخ در قرآن با دلایل عقلی و نقلی و قرآنی و حدیثی اثبات شده است.

واژگان کلیدی:

نسخ - مدرسه رفع - مدرسه بیان - مدرسه خطاب

الفهرس

الفصل الاول

- ٢..... دور معرفة الناسخ و المنسوخ فى القرآن، أهميته و قيمته
- ٢..... الف: اهمية مبحث النسخ فى التشريع
- ٣..... ب: النسخ، تفسيرياً، فقيهاً و اصولياً
- ٣..... ج: دور النسخ فى المباحث الكلامية
- ٤..... د: الرد الاستدلالي على اعداء الاسلام فى موضوع النسخ
- ٤..... هـ: اكتشاف سير التشريع فى عصر النزول
- ٥..... و: اكتشاف الاسباب التربوية للاسلام
- ٥..... ز: ضرورة التخلص من توتر افكار علماء الاسلام و اهميته
- ٦..... ح) معرفة الاعجاز التشريعى فى القرآن
- ٦..... ط) كيفية القول بنسخ آية أو آيات من القرآن الكريم
- ٦..... ي) اهمية النسخ فى فهم احكام القرآن
- ك) اهمية النسخ فى مرآة روايات ائمة اهل بيت
- ٧..... ^{عائشة}.....
- ل) اجماع المسلمين و اهتمام علماء الاسلام من كل الفرق
- ١٢..... م) ملخص البحث

الفصل الثانى

- ١٤..... سابقة التسخ التاريخية فى قاموس اهل بيت الوحي
- ١٤..... اول تأليف للناسخ و المنسوخ فى الاسلام
- ١٦..... خصائص مصحف امير المؤمنين
- ١٦..... نظرة على احاديث امير المؤمنين

الفصل الثالث

- ٢٠..... تاريخ و مراحل التأليفات حول النايخ و المنسوخ فى القرآن الكريم من البداية حتى الآن

التأليفات الاسلامية في مجال النسخ و المنسوخ في القرآن	٢١
المؤلفون الذين لا توجد اعمالهم	٥٢
فرقة منكرى النسخ في القرآن	٥٣
لستطلاع كامل لبعض الكتب في موضوع النسخ و المنسوخ في القرآن	٥٦
النسخ من منظور علماء الشيعة الكبار المعاصرين	٦٣
ملخص البحث	٦٥

الفصل الرابع

معرفة مفهوم النسخ	٦٧
الف: النسخ من منظور اهل اللغة:	٦٧
تأثير آراء اللغويين في فكرة الاصوليين و محققى القرآن. استنتاج	٧٠
الاستنتاج	٧٥
ب: النسخ من منظور الاصوليين و محققى القرآن و تطوارته	٧٥
نقد آراء بعض المحققين المعاصرين حول تلقى الصحابة من النسخ استنتاج	٧٧
الاستنتاج	٧٩
ج: التطورات المفهومية للنسخ في ادوار التدوين	٨١
مصطلح النسخ عند محققى اصول الفقه و العلوم القرآنية	٨٢
مدرسة البيان	٨٢
نقد و تحليل لتعريف مدرسة البيان	٨٤
نتيجة النقد و التحليل	٨٦
مدرسة الخطاب	٨٦
مدرسة الخطاب ، نقدها و تحليلها	٨٧
مدرسة الرفع تعريف مثالي	٨٨
مدرسة الرفع و سيرها التاريخي	٨٩
مدرست الرفع و سير تعاريفها من منظر الباحثين المسلمين	٩٠
نقد و تحليل التعاريف و منتخب من الاقوال في ميزان الفكر	٩٣

٩٦.....	ايضاح الموضوع و منتخب من التعاريف
١٠٢.....	الاستنتاج
الفصل الخامس	
١٠٥.....	شروط النسخ
١٠٥.....	النظرية الشهيرة
١٠٥.....	الف)التنافي بين الحكمين
١٠٥.....	ب) وجود التنافي الكلي بين الحكمين
١٠٦.....	ج)عدم تحديد الحكم السابق بزمان خاص
١٠٦.....	د)تشريعية الحكم
١٠٧.....	هـ) وحدة الموضوع
١٠٨.....	و) في الاحكام الجزئية
١٠٩.....	نظرية أخرى
١٠٩.....	الشروط المتفق عليها
١١٢.....	شروط اساسية للنسخ
١١٣.....	الفروق بين النسخ و البداء
١١٤.....	البداء ، لغة و الصطلاحا
١١٦.....	البداء من منظور العامة
	صورة من البداء في روايات مدرسة اهل البيت
١١٨.....	عبدالله
١١٩.....	الاستنتاج
١٢٠.....	المبادئ الاعتقادية للشيعة بالابداء
١٢٠.....	انواع القضاء و القدر في حوزة تقديرات الحق - عز و جل
١٢١.....	شروط البداء و اركانه
١٢٢.....	البداء عند اليهود
١٢٣.....	البداء و القدرة الالهية من منظور اليهود

النقد و التحليل	١٢٣
الاستنتاج	١٢٤
تقييم موارد الاشتراك و الافتراق بين النسخ و البداء	١٢٤
الآثار الايجابية لقبول نظرية البداء	١٢٥
السابقة التاريخية للانتهازات من مسألة البداء	١٢٧
الفروق الاساسية للنسخ و التخصيص من منظور المحققين المسلمين	١٢٧
نقد و نظر	١٣٠
بحوث جانبية للنسخ	١٣١
الاستنتاج	١٣٢
الفصل السادس	
انواع النسخ فى القرآن	١٣٥
القسم الاول : نسخ التلاوة و ابقاء الحكم	١٣٦
القسم الثانى : نسخ التلاوة و الحكم معاً	١٣٦
نقد الدليل الاول	١٣٨
نقد الدليل الثانى : روايات	١٤٠
الآيات القرآنية	١٤٤
النتيجة	١٤٨
القسم الثالث : نسخ الحكم و ابقاء التلاوة	١٤٨
شروط و قوع هذا النوع من النسخ فى القرآن	١٥٠
النتيجة	١٥٢
خلاصه كتاب «بررسى نظريه هاى انكار نسخ در قرآن»	١٥٣
نقد و بررسى كتاب	١٦٥
آشنايى با برخى از آثار دكتور مولايى نيا ، چاپ شده در مجلات ايرانى	١٧٧
منابع فارسى	١٧٩
منابع عربى	١٨٣

مقدمه

پدیده نسخ در قرآن کریم از اموری است که دارای اهمیت فراوانی است. و مانند سایر علوم قرآنی چون اسباب النزول، محکمت و متشابهات و ... فراوان به آن پرداخته شده است. تعدادی از علمای علوم قرآنی وقت خود را مختص به این علم که متشکل از دو بخش ناسخ و منسوخ است، نموده اند.

وقوع نسخ در قرآن در صدر اسلام و عصر حضور پیامبر اعظم ﷺ برای مسلمانان حل شده بود. چون صحابه مشکلات قرآنی خود را از چشمه جوشان و زلال نبوی حضرت ختمی مرتبت ص جویا می شدند.

از نظر اهل بیت پیامبر(ص) نیز این مسئله به همان سادگی دوران پیامبر ﷺ حل شده بود. و در جای جای تاریخ حساسیت اهل بیت ع به این موضوع مشاهده می شود. بگونه ای که حضرت علی (ع) یک قاضی را از امر خطیر قضاوت منع کردند، تنها به خاطر اینکه از علم ناسخ و منسوخ بی بهره بودند.

در ادوار بعدی کم کم زمزمه هایی از انکار این واقعیت و این پدیده مترقی در جامعه پیدا شد. و تعدادی از علما بر این امر تاکید کردند هرچند که دلایل آنان در این کتاب نقد شده و پاسخ مناسب به آنان داده شده است.

علمای اهل سنت بیشتر به امر نسخ پرداخته اند و کتابهای مستقل در این زمینه تالیف نموده اند و علمای شیعه معمولاً در کتابهای تفسیر و سایر کتب علوم قرآنی خویش به این مسئله اشاره کرده اند. آیت الله خوئی در تفسیر «البیان» به مسئله نسخ فراوان پرداخته اند و آیت الله معرفت نیز در کتاب ارزشمند «التمهید» که شش جلدی است، یک جلد آن را به نسخ اختصاص داده اند. از انجایی که اکثر منکران نسخ را علمای اهل سنت تشکیل می دهند و کتابهای آنان به زبان عربی است لذا بر آن شدم تا به ترجمه این کتاب از فارسی به عربی اقدام کنم، تا آنان نیز با افکار علمای شیعه در این زمینه آشنا شوند. خصوصاً که تهمتهایی به علمای بزرگوار شیعه زده اند مبنی بر اینکه علمای شیعه به بداء اعتقاد دارند.

در تعریب این کتاب که به اشاره و راهنمایی مؤلف محترم آقای دکتر مولایی نیا^۱ صورت گرفته است، نخست تعدادی از کتب را در رابطه با این موضوع که زبان عربی است مطالع کردم تا با اصطلاحات این علم آشناشوم سپس در ترجمه جملاتی که از کتب عربی گرفته شده تلاش کردم به اصل کتاب مراجعه کنم که این کاری سخت و طاقت فرسا بود. چون تعدادی از منابع در دسترس نبودند. تعداد زیادی از کتب عربی را از طریق اینترنت بدست آوردم بعضی را مثل کتاب «مصطفی زید» که در صفحات متعدد از آن بهره برده شده است بوسیله سفارش به یکی از موسسات دینی عربستان و از طریق ایمیل بدست آوردم. در مورد کتب علمای شیعه از سایت «مدرسه فقاہت» بسیار بهره جستیم.

این کتاب (بررسی نظریه های انکار نسخ در قرآن - بخش اول) دارای شش فصل می باشد. و موضوع نسخ از جوانب مختلف بررسی شده است، در فصل اول، اهمیت و نقش شناخت ناسخ و منسوخ در قرآن، در فصل دوم پیشینه تاریخی نسخ در فرهنگ اهل بیت (ع) و در فصل سوم، پیشینه تاریخی و سیر نگارشهای ناسخ و منسوخ قرآن از آغاز تاکنون به تفصیل بیان شده است. در فصل چهارم، مفهوم شناسی نسخ، در فصل پنجم شرایط نسخ و در فصل ششم گونه های نسخ در قرآن کریم بطور مشروح بررسی گردیده است.

۱-دکتر عزت الله مولایی نیا استادیار دانشگاه قم هستند .

الفصل الاول

دور معرفة النسخ و المنسوخ فى القرآن، أهميته و قيمته

- الف) اهمية مسألة النسخ فى التشريع والتقنين
- ب) النسخ، تفسيرياً، فقهاً و اصولياً
- ج) اهمية النسخ فى المسائل الكلامية
- د) الرد الاستدلالي على اعداء الاسلام فى موضوع النسخ
- هـ) اكتشاف سير التشريع فى عصر نزول الوحي
- و) اكتشاف الاسباب التربوية للاسلام
- ز) ضرورة التخلص من توتر افكار علماء الاسلام و اهميته
- ح) معرفة الاعجاز التشريعى فى القرآن
- ط) كيفية القول بنسخ آية أو آيات من القرآن الكريم
- ى) اهمية النسخ فى فهم احكام القرآن
- ك) اهمية النسخ فى مرآة روايات ائمة اهل البيت عليهم السلام
- ل) اجماع و اهتمام المسلمين فى مسألة النسخ

دور معرفة الناسخ و المنسوخ فى القرآن، اهميته و قيمته

ان التعرف على المسائل الأساسية فى علم الناسخ و المنسوخ فى القرآن الكريم له أهمية بالغة، و يعد امر حيويًا للعلماء و الباحثين فى المجالات القرآنية لاسيما فى مجال التشريع. علماء المسلمين فى آثارهم وضعوا ابعاده المهمة نصب اعينهم و اكدوا عليه كثيراً. ولكن بإمكاننا أن نلخص اهم اقسام و موارد البحث حول النسخ فى الموارد التالية وهى:

الف: اهمية مسألة النسخ فى التشريع

من ناحية التشريع؛ طبيعة الحركة الاجتماعية، السياسية، الدينية و الثورة الشعبية، التى اتجاهاها اطلاقاً كان نحو الكمال و الترقى - خاصة اذا كانت تسيير نحو الكمال المطلق و كانت سارعة نحوه- أن تدخل النسخ و التغيير فى بعض الاحيان على قوانينها و مقرراتها. خاصة اذا ظهرت هذه الثورة و الحركة فى مجتمع كان يغور فى ظلام الضلالة و بعيد عن الحضارة و الترقى و التطور. و خاصة اذا كانت هذه الحركة الاصلاحية، نهضة شاملة و عالمية لكل الادوار و جميع الجن والانس - كما هو الحال فى الاسلام - فالحاجة الى « النسخ » و التحول فى التشريع يكون امراً ضرورياً و اكثر فاكثراً^١. لان القوانين التى يوضعها الله - جل جلاله- تكون على اساس مصالح العباد و ربما تتغير هذه المصالح حسب التغيرات فى الزمان و المكان. و طبعاً تتغير القوانين الخاصة بها. لان الدعوة الاسلامية الشاملة من بداية ظهورها فى مكة المكرمة و بعد الهجرة الى المدينة المنورة شاهدت النسخ فى مقرراتها و تشريعاتها^٢.

ب : النسخ من حيث التفسير و الفقه و الاصول .

ظهر النسخ فى الساحة القرآنية فى آيات الاحكام فقط، و ماتجاوز من هذا المجال. فمن الطبيعى ان نشاهد الفقه و اصول الفقه يجولان فى هذا المجال و يمثلان الدور الرئيسى، لهذا السبب نشاهد فى هذه المواضيع، ان جميع الدراسات و المساعى العلمية ترجع الى المباحث الفقهية و الاصولية^٣.

اذا اراد فقيه ان يفتى فى مجال الاستنباط، لا بد له من أن يراجع آيات القرآن الكريم التى هى اكثر اعتباراً و اطميناناً و اول مصدر لاستنباط الاحكام، من حيث الدلالة، المقاصد و الناسخ و

١- محمد هادى معرفت، التمهيد فى علوم القرآن، ج٢، ط١، ١٠٠٠م: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين، (١٤١٦ هـ) صص ٢٦٩-٢٧٣.
طبع هذا الكتاب فى عام ١٤٢٨، فى ١٠ مجلدات.

٢- محمد هادى معرفت، السابق .

٣- آرش مردانى پور، نسخ در قرآن، صحيفة مبین، رقم ٧٠٦ صيف و خريف ١٣٧٥ هـ ش. ص ٤٦

المنسوخ ،ليدرسها دراسة جدية. ان الفقيه اساساً يحصل على اجوبة اسئلته من علم اصول الفقه المنظم : على ان؛ هذه الآية لها دلالة ام لا؟ حكمها منجز ام لا؟ لها ظهور في دلالتها ام منصوصة؟ و في هذه الساحة المزدحمة؛ العلم الذى يجول وسط الميدان، هو علم الاصول. و هو ايضا فى منتجاته القرآنيه، مدين فى هذا المجال وهو يلتقط ماقاله المفسرون العظام و يعتمد عليهم^١.

اذن، تحتاج العلوم الثلاثة وهى التفسير، الفقه و اصول الفقه، حاجة ملحة الى معرفة مباحث النسخ فى انتاج تفسير آيات القرآن، و احكام حلال محمد ﷺ و حرامه، و دون معرفة كاملة منه ليس بإمكانهم انجاز اى شىء .

النتيجة؛ يتكى الفقيه فى موقف إعطاء الاحكام، القضاء، الولاية و الزعامة للامة، على معرفة علم النسخ فى القرآن، و لا يمكن ان يؤدى دوراً صحيحاً فى المجالات الثلاثة دون معرفة هذا العلم^٢.
ج: اهمية النسخ فى المسائل الكلامية .

من الجانب الاعقائدى و المبانئ الكلامية، من الواضح ان اهمية النسخ فى علم الكلام و الاصول الاعتقادية للاسلام لايمكن انكاره. لان احكام الاسلام هى فى انحصار المشرع الحقيقى «رب العالمين». و النسخ و امكان وقوعه، يسبب اشكالات منها: جهل البارى (نعوذ بالله)، تحصيل الحاصل، لغوية المنسوخ^٣، البداء فى اوامره (فى ذهن الذين فى قلوبهم مرض، و المنافقون و الكفار و الضعفاء من المسلمين و المستغربين). الرد العلمى على هذه الشبهات و سائر الاسئلة التى يمكن تطرح فى هذا المجال هى فى حوزة عمل المتكلمين فحسب.

د: الرد الاستدلالى على اعداء الاسلام فى موضوع النسخ:

إستغل اعداء القديمة للاسلام، اليهود، النصارى و سائر ملحدى العالم، من صدر الاسلام حتى الان، النسخ كسلاح ضد الاسلام، و هجموا على الاسلام المتكامل و بعض من الكتاب المسلمين لعدة من دلائل يحسبون فكرة ظهور النسخ خطأً فحسب، بدلا من الرد على الاشكاليات العمياء. و الدلائل هى: ضعف فى البنية العلمية، العجز من الرد او الاستغراب و الاستشراق، و عدم الفهم لحكمة النسخ، و لاستحقاقهم انفسهم.. و دون بيان اى دليل و دون فهم دقيق للآيات الناسخة و المنسوخة و

١-على حسن العريض، السابق، صص ٩٦ و ١٠٠ نقلا عن مناهل العرفان، عبدالعظيم زرقانى، ج٢، صص ١٧٣-١٧٦

٢-على حسن العريض، السابق، ص ١٠، مع ايضا حات من الكاتب

٣-آيت الله سيد ابوالقاسم، الخويى، البيان فى تفسير القرآن، ط ٥، بيروت، دارالزهراء (س) ١٤٠٨ هـ ق ، ص ٢٧٩.

لعدم فهمهم لغة الوحي و بيانات رسول الله ﷺ وأئمة الدين ﷺ و لعدم الالتفات الى مصالح العباد في مقام التشريع الاسلامى و مراحل التشريع المختلفة فى الاوائل و عصر النزول، اتحدوا مع اعداء الاسلام، و بالنتيجة؛ انكروا وقوع اى نوع من النسخ فى القرآن و حتى فى السنة النبوية ، و اتهموا القائلين بالنسخ بانواع التهم الغير لائقة.

يبين الرد الاستدلالي على هذه الشبهات ضرورة الدراسة لموضوع النسخ ويجعلها امراً بديهياً و موضوع مقالنا ايضاً يتكون على هذه الرديات. و ان شاء الله، بعون الله تعالى نعرض الاجابات الدقيقة و التحليلية على قرأء هذا المقال ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُحْيِيَ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾ (الانفال / ٤٢)

هـ: اكتشاف سير التشريع فى عصر نزول الوحي .

نحصل من خلال البحث و الدراسة لموضوع النسخ الحيوى فى القرآن و السنة النبوية اضافة على الوقوف على احكام الاسلام الاصيلية ، على مسألة هامة و قيّمة جداً هي : « اكتشاف سير التشريع و مراحلها على مدى ٢٣ عاماً لنزول الوحي » التى هي: أن صاحب الشريعة -جل و على- مع الالتفات الى الاحوال الراهنة فى مجتمع «عصر النزول» كيف وضع احكامه و قوانينه التشريعية نظراً للمجتمع السلامى الحديث الولادة بشكل تدريجى، قطعى و دائمى، و احياناً على حسب الظاهر دائمى و فى الباطن مؤقت و فى ظرفه الخاص له، اظهر واقع الامر بنزول الناسخ قانوناً جديداً بعد ما كان واقع الامر خفياً من عباده محجوباً لمصالح هامة جداً.

و: اكتشاف الاسباب التربوية للاسلام.

نستطيع من هذه الطريقة الحصول على الاسباب التربوية للاسلام ايضاً. بأن الاسلام بُنى على الفطرة و نهج اليسر و المسامحة، و عُرض القرآن على الناس تدريجياً ، و من جهة المصالح الحكيمية ، محدود بالزمان (فى باطن الامر) و حسب الظاهر بشكل ظاهر مطلق و يبين واقعه على الناس فى ظرفه الخاص. و النسخ؛ إما لمصلحة فى اختبار الناس و دون الدخول الى مرحلة التنفيذ، و إما بعد العبور من مرحلة التنفيذ، و هذه مسألة مهمة ، يمكن تصورها اكثر فاكثر. اذا رجعنا للقرن الاول من التاريخ الاسلامى ، و جعلنا انفسنا مع مسلمى عصر الرسالة و النزول من غار حراء الى يوم

١- محمد عبدالعظيم زرقانى، مناهل العرفان فى علوم القرآن ج٢، مصر، القاهرة، داراحياء الكتب العربية، دون تاريخ، ص ١٧٤؛ على حسن العريض، السابق، ص، سيد حسين سجادى، ناسخ و منسوخ در قرآن، رسالة ماجستير من جامعة الامام الصادق ﷺ آبان ١٣٧١، ص ٥.

٢- محمد عبدالعظيم زرقانى، السابق، مع ايضاحات المؤلف.

استشهاد الرسول ﷺ و ناخذ بعين الاعتبار جميع العوامل منها : أمية المسلمين، التخلف الاجتماعى و السياسى و الفكرى و الاقتصادى و الثقافى لهم فى القيظم الانسانية، و فى كلمة واحدة « الاستضعاف» بمعناه الكامل، عندئذ يمكن لنا ان نجعل ظاهرة النسخ فى القرآن، نعمة و افضل القيم التشريعية فى عالم التشريع. و نفتخر بأن النظام التشريعى الاسلامى، كمعجزة فى عصر الظلام و بدوية القافلة البشرية الكبرى، جاء بأرقى قانون و اهداه الى البشر.

ز: ضرورة التخلص من توتر افكار علماء الاسلام و اهميته:

بما ان فكرة النسخ، محل للنقاش و الدراسة و التلاقى و التوتر لافكار آراء اصحاب النظر من المخالفين و الموافقين، واخذت ساحة واسعة لنفسها بين المتفكرين الكبار من المسلمين، و اصبحت مركزاً لتلاقى الآراء المختلفة و كل الاصول المطروحة فيها من المباني و الاصول الاساسية و الاحكام النبوية للاسلام؛ فالاصلاح بين الفئات و فيصلة هذا الازمة العلمية و المناوشات العدوانية و تحرير المسلمين من الحيرة و التشكيك، يجعل النقاش و الدراسة حول النسخ و المنسوخ امراً ضرورياً و حيويماً فى مقام العمل.

ح) معرفة الاعجاز التشريعى فى القرآن

قبول فكرة النسخ، اقوى و اهم دليل على اعجاز القرآن الكريم، لان قبول هذه المسئلة ، تدل قطعاً على ان الرسول ﷺ الذى هو «أمى»، لا يمكن ان يكون المصدر الرئيسى للتشريع المترقى الذى يفوق الطاقة و الفكرة البشرية. يعنى إن القرآن الذى هو معجزة لا يمكن ان يكون نضوحاً فكرياً لانسان «أمى».

تثبت ظاهرة النسخ بان التشريع الجديد جاء من الرب الحكيم الذى هو اعلم باحوال العباد، وإن اخفائه بالمرحلة الاولى كان على اساس مصالح المجتمع الاسلامى الجديد^١. و هذه المسئلة المهمة تلزمننا ضرورة دراسة النسخ و المنسوخ.

ط) كيفية القول بنسخ آية أو آيات من القرآن الكريم:

بما ان فكرة النسخ، ظاهرة قرآنية، و يختص محل عملها فى الوحي و خاص بالشارع المقدس و فى مقام التشريع بينه - جل و علا- و رسول الله ﷺ الذى هو المخاطب المباشر للقرآن الكريم؛ فلا سبيل للاجتهد و اظهار رأى من اى شخص ألاً من ساحة الرسول الاكرم ﷺ^٢. اذن فى

١- محمد عبدالعظيم زرقانى، السابق، مع ايضاحات المؤلف. على حسن العريض، السابق، ص ٦

٢- على حسن العريض، السابق.

حالة واحدة يمكن القبول بمنسوخية آية أو ناسخيتها؛ ان تكون الآية ناظره على حكم الآية السابقة او السنة و الاحاديث المتواترة المقبولة عند الفريقين يثبتها عقلاً و نقلاً.

على هذا كل تقرير حديثي حول نسخ آية منقول من الصحابة و حتى ازواج الرسول ﷺ او الخلفاء الثلاثة ما قبل امير المؤمنين ﷺ او سائر الصحابة، لا يقبل الا اذا كان موافقاً لمعايير علم الحديث القيمه، علم الدراية و علم الرجال. و من جهة أخرى لا يخالف العصمة، العقل و التاريخ، و لا يعارض نص القرآن الكريم و ضروريات الاسلام، و لا تكن فيه مخالفة لمصونية القرآن من التحريف.

فدراسة مظان الناسخ و المنسوخ و البحث حوله، في مجال التشريع، امر لازم و ضروري و لا بد منه في التشريع الاسلامي .

ى) اهمية النسخ في فهم احكام القرآن.

كان المسلمون في عصر الرسالة، في ربيع نزول الوحي على رسول الله ﷺ و خاصة اهل بيت الوحي ﷺ يهتمون اهتماماً خاصاً بمسئلة النسخ، و كانوا يعتبرونه السبيل الوحيد لفهم احكام القرآن الكريم أو على مستوى آيات المحكمات في حل معضلات المتشابهات، في الحديث عن السابقة التاريخية و مسير التأليفات القرآنية سيأتي: بان امير المؤمنين ﷺ في خطبتين (نهج البلاغة) يذكر النسخ بانه مفتاح فهم القرآن الكريم و أهم مسألة في مجال فقه القرآن. و نحن لضيق المجال نكتفي بذكر عدداً من الاحاديث .

ك) اهمية النسخ في مرآة روايات ائمة اهل البيت ﷺ

نقل فئة كثيرة من الباحثين في الامور القرآنية و الحديثية، مواجهة صارمة من امير المؤمنين ﷺ مع احد الوعاظ أو القضاة في مسجد الكوفة وقالوا: ان امير المؤمنين ﷺ واجه احد الوعاظ أو القضاة وسئله: «هل تعرف الناسخ و المنسوخ»؟ قال: لا. قال امير المؤمنين ﷺ: «هلكت و أهلكت تأويل كل حرف من القرآن على وجوه»^١. ربما هذا القاضي هو «ابو يحيى المعروف»، كما جاء في

١- محمد بن مسعود العياشي، ج١، بيروت، منشورات الاعلمي، ١٤١١هـ ص ٢٣، جلال الدين السيوطي، الاتقان في علوم القرآن، ج٢، ط٢، دمشق، دار ابن كثير، ١٤١٤هـ ص ٧٠٠ وهكذا نص الحديث نقلًا عن العياشي: «مَرَّ عَلَيَّ عَلِيٌّ ﷺ قاضٍ، فقال: هل تعرف الناسخ من المنسوخ؟ فقال: لا. فقال: هلكت و أهلكت، تأويل كل حرف من القرآن على وجوه». المصادر الشيعية نقلته هكذا ولكن مصادر السنة نقلته باشكال مختلفة في النص و الكيفية و الكمية: ١- في الكثير من مصادر السنة، الشخص الذي واجهه الامام علي ﷺ هو قاص أو واعظ وليس قاض. ٢- ان امير المؤمنين ﷺ رأى ذلك الشخص في جامع الكوفة وكان ابوموسى اشعري والياً، وقد تحلق عليه الناس يسألونه، وهو يخلط الأمر بالنهي، والإباحة بالحظر ٣- سئل امير المؤمنين ﷺ الناس، من هذا وما عمله؟ ٤- بعد الحديث معه، أخذ أذنه فقتلها، فقال:

لا تقصن في مسجدنا بعد.» ٥- ذلك الشخص (ابن دأب ابويحيى) قال للناس: قال لي علي عليه السلام: من انت؟ قلت: ابويحيى قال عليه السلام: انت اعرفوني اعرفوني ولست ابويحيى وبعد ذلك تركه الى الابد ٦- ابويحيى المعروف او المعرقب قال لسعيد بن الحسن الراوى الاخر للحديث: يا سعيد انه انا: قال ماذا تعنى؟ يقول: الذى قال له علي عليه السلام: انت لست بابي يحيى انت الذى تقول اعرفوني اعرفوني ٧- يقول بويحيى لسعيد: وانا بعد ذلك تركت القضاء. سعيد، لا تنسى هذا فانه يفيدك. ولكن كما ذكرنا، فى اكثر مصادر اهل السنة الشخص المسئول منه كان قاص وليس قاض. البته آية الله معرفت نقل صدر الحديث من تفسير العياشى والاتقان السيوطى. جاء فى الاتقان قاص ونقل ذيل الحديث من كتاب الناسخ و المنسوخ لابن حزم الاندلسى المطبوع فى حاشية تفسير الجلالين، ج ٢، ص ١٥٠. الذى كان فيه «قاص» وينقل من قول ابى يحيى بانى كنت قاضيا فى الكوفة، قال امير المؤمنين عليه السلام هكذا وبعد ذلك لن ارجع الى القضاء ابدأ. نقل هذا الحديث غالبية مؤلفى الناسخ و المنسوخ فى آثارهم من الفريقين، نشير الى عدد منهم:

- ١- محمد بن مسعود العياشى، السابق، ج ١، ص ٢٣.
- ٢- الحر العاملى، وسائل الشيعة، ج ٢٨، ط ١- ايران- قم- منشورات مؤسسة آل البيت عليه السلام، ص ٢٠٢، ج ٢٥٩٦، ٦٥٠، نقلا من تفسير الياشى.
- ٣- السيد هاشم البحرانى، البرهان فى تفسير القرآن، ج ١، لا تا ولا ط، ايران- قم- منشورات اسماعيليان، ص ٢٠، ج ١٣.
- ٤- العلامة محمد باقر المجلسى، بحار الانوار، ج ٩٢، ط ٣- بيروت: دار احياء التراث العربى (١٤٠٣هـ)، ص ١١٠، ج ٩ نقلا من تفسير العياشى.
- ٥- محمد هادى معرفت، السابق، ج ٢، ص ٢٧٥-١٧٦، نقلا من تفسير العياشى والاتقان للسيوطى ج ٢، ص ٢٠ والناسخ و المنسوخ لابن حزم الاندلسى، مطبوع فى حاشية تفسير الجلالين بى تا، مصر، ج ٢، ص ١٥٠.
- ٦- كمال الدين العتاتقى، الناسخ و المنسوخ، لا ط، العراق- النجف الاشرف، ١٣٨٩هـ، ص ٢٢.
- ٧- جلال الدين السيوطى، الاتقان، السابق، ج ١، ص ٧٠٠.
- ٨- هبة الله بن سلامة، الناسخ و المنسوخ، لا تا ولا ط، القاهرة: مكتبة المتنبى، ص ٣. يضيف بان رأى على عليه السلام ابويحيى وهو يخلط الامر بالنهاى والاباحة بالخطر، ثم وأخذ أذنه ففتلها، فقال: لا تقصن فى مسجدنا بعد..» ولكن جاء فى رواية ابن العتاتقى «لا تقصن» البته لمشابهة لا تقصن مع لا تقصن وقاص مع قاص يحتمل الخطأ فى الضبط.
- ٩- بدر الدين الزركشى، البرهان فى علوم القرآن، ج ٢، طبع الاول- بيروت: (١٤١٠هـ)، ص ١٥٨.
- ١٠- دكتور مرعسلى، محقق كتاب البرهان فى هامش هذه الصفحة يروى هذا الحديث بطرق متعددة: الفقيه والمتفقه للبغدادى، جزء ٣ فصل الناسخ و المنسوخ ص ٨٠ و الاعتبار فى الناسخ و المنسوخ من الآثار لمحمد بن موسى الحازمى الهمدانى، ص ٦ و الدر المنثور لعبدالرحمن السيوطى، ج ١، ص ١٠٦، فى تفسير آية «ما ننسخ من آية..»
- ١١- عيد الرحمن ابن الجوزى، نواسخ القرآن، تحقيق حسين سليم دارانى، ط ١، دمشق: دار ثقافة العربية، (١٦١١هـ) ص ١٢٦ و ١٣٤، من ٦ طرق و محقق الكتاب: حسن سليم الدارنى ايضا فى هامش الكتاب ينقل من: الدر المنثور، ج ١، ص ١٠٦ والناسخ و المنسوخ، النحاس، ص ٦ و الاعتبار، الحازمى الهمدانى، ص ٢٠ والناسخ و المنسوخ ابن سلامة، ص ٤ والفقيه و المتفقه، الخطيب البغدادى، ج ١، ص ٨٠، والناسخ و المنسوخ، ابن شهاب الزهرى، تحقيق دكتور حاتم صالح الضامن، ص ٣١٣ و غوامض الاسماء المبهمة، ابن بشكوال، ج ١، ص ٣٥٧.
- ١٢- أبو جعفر النحاس، الناسخ و المنسوخ فى كتاب الله - عزوجل - ج ١، طبع الاول- بيروت: مؤسسه الرسالة (١٤١٢هـ)، ص ٤٠٩-٤١١. نقل هذا الحديث باربعة اسناد ولكن ابن الجوزى و النحاس كلاهما «يذكران بقاص يقص و رجل يذكر الناس».
- ١٣- عبدالرحمن ابن الجوزى، المصطفى بأكف أهل الرسوخ من علم الناسخ و المنسوخ، ط ٢- بيروت: مؤسسة الرسالة، اعداد دكتور حاتم صالح الضامن، ص ١٣، ابن جوزى فى هذا الكتاب ضبطه ب «قاص» بالضاد المعجمة.
- ١٤- ابن شهاب المعروف ب "الزهرى"، الناسخ و المنسوخ، ط ٢- بيروت: مؤسسة الرسالة، اعداد دكتور حاتم صالح الضامن، «١٤٠٨هـ» ص ١٥-١٦ بثلاث أسناد عن ابى عبدالرحمن الاسلمى.
- ١٥- على حسن العريض، السابق، ج ٨-٩ بطريقتين عن السلمى
- ١٦- عبدالعظيم الزرقانى، السابق، ١٧٥/٢-١٧٤.
- ١٧- ابن المتوج، الناسخ و المنسوخ، لا ط، طهران: منشورات جامعة طهران، شرح عبدالجليل قارى و تحقيق محمد جعفر اسلامى، ص ٨-١٠ هو يحرف القضية فى التفسير و التوجيه و يقول: «أخذ على (ع) باذن ابى موسى الاشعري ففتلها و طرده من المسجد»

حديث «سعيد بن ابى الحسن». يقول : رأيت ابا يحيى و قال لى : « اعرفنى يا سعيد : انا هو ذاك «قلت: «و مَنْ هو ذاك» قال ابو يحيى: «انا هو الذى رآنى ابو الحسن اميرالمومنين عليه السلام و انا كنت قاض فى الكوفة فسألنى : من أنت ؟ قلت: ابو يحيى، ثم قال عليه السلام : «هل تعرف ناسخ القرآن من منسوخه؟ قلت: لا، ثم قال عليه السلام: فهلكتَ وأهلكتَ». و تركت القضاء بعد ذلك. سعيد! لا تنسى هذا فإنه يفيدك^١. ربما هذه القصة هى التى جاءت حول قاض جاهل و لا يعلم من احكام الناسخ و المنسوخ فى القرآن. كما يؤكدون عليها علماء الشيعة و بعض الباحثين من اهل السنة.

فتبين لنا اهمية دور معرفة الناسخ و المنسوخ فى القرآن الكريم فى امر القضاء، بما ان من منظور امير المؤمنين على عليه السلام دون العلم من الناسخ و المنسوخ يساوى هلاكة الحكم و المحكوم له و المحكوم عليه ، خاصة نرى ان الامام عليه السلام من بين الموضوعات الكثيرة كالمحكم و المتشابه، العام و الخاص، المطلق و المقيد، المبين و المجمل، الظاهر و الباطن يكتفى بالسؤال عن الناسخ و المنسوخ و هذا يعنى ان الفقيه فى مقام الأفتاء او فى مقام القضاء او فى مقام التفسير، لا يجوز له الأفتاء و القضاء و التفسير دون العلم الكافى من الآيات الناسخة و المنسوخة .

١. عن مسعدة بن صدقة قال: سألت ابا عبدالله عليه السلام عن «الناسخ و المنسوخ» و المحكم و المتشابه؟ قال: «الناسخ: الثابت المعمول به، و المنسوخ: ما قد كان يعمل به ثم جاء ما نسخه، و المتشابه ما تشابه على جاهله^٢».

٢. عن زرارة بن اعين عن الامام الباقر عليه السلام قال: «نزل القرآن ناسخاً و منسوخاً^٣».

٣. قال الامام الصادق عليه السلام لأسماعيل بن جابر: «و اعلموا - رحمكم الله - انه من لم يعرف من كتاب الله الناسخ و المنسوخ و العام من الخاص و المحكم من المتشابه ... فليس بعالم بالقرآن و لا هو من اهله^٤».

١- محمد هادى معرفت، السابق، ج ٢، ص ٢٧٢ نقلاً من الناسخ و المنسوخ ابن الحزم الظاهرى الاندلسى، مطبوع فى حاشية تفسير الجلالين، ج ٢، ص ١٥٠،

٢- فيض الكاشانى، محمد حسن، تفسير الصافى، ج ١، ايران-طهران، دارالكتب الاسلامية، ١٤١٩، تحقيق: السيد محسن الامينى، ص ٣٠. سيد هاشم البحرانى، السابق، ج ١، ص ٢٠. نقلاً عن تفسير العياشى، ج ١، ص ٢٣ و منه بحار الانوار، ج ١٩، ص ٢٥ و ٩٤.

٣- عياشى، السابق، ج ١، ص ٢٢، ج ٣ و من الامام محمد الباقر، مجلسى، السابق، ج ١٩، صص ٢٥-٣٠ و صص ٩٣-٩٤. سيد هاشم بحراني، السابق، ج ١، ص ٢٠، حر عاملى، السابق، ج ٢٧، ص ٢٠٣ و ج ٧٢.

٤- شيخ حسن الفريد، شرح تفسير النعمانى، افسست المروى- طهران: ١٣٩٩هـ، صص ٢٣ و ٢٤. وايضاً؛ انظر، فيض الكاشانى، السابق، ج ١، صص ٣٨ و ٣٩ نقلاً عن محمد بن ابراهيم بن جعفر النعمانى عن الامام الصادق عليه السلام فى ضمن حديث مفصل.